

Examining the necessity of political marriages in the centralist policies of Shah Abbas I

Boroomand Sooreni*

Nasrolah Poor Mohammadi Amalshi**

Abstract

In order to overcome many internal and external problems, Shah Abbas I tried to use diplomatic measures in parallel with the use of repressive measures. Besides fending off foreign invasions and changing the structure of the bureaucracy, he acted to attract and depend on various elements of power in different regions of the country through family ties with them in order to create peace and stability in different dimensions and provide the ground for the elevation of the Safavid government. The present study, using library sources and with a descriptive-analytical approach, seeks to investigate and explain why and how political alliances influence the creation of centralist policies and structures during the period of Shah Abbas I, because Along with various political, military and social measures, Shah Abbas added the use of family ties to his set of measures to create political centralization and territorial integrity.

Keywords: Safavid era, political marriage, Shah Abbas I, Iranian Sadat, local rulers.

* Ph.D. in History of Iran, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Corresponding Author),
bsorni@yahoo.com

** Professor of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, poormohammadi@ikiu.ac.ir

Date received: 2022/09/05, Date of acceptance: 2022/12/17



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی ضرورت ازدواج‌های سیاسی در سیاست‌های تمرکزگرایانه شاه عباس اول

برومند سورنی*

نصراله پورمحمدی املشی**

چکیده

شاه عباس اول برای غلبه بر مشکلات متعدد داخلی و خارجی به موازات استفاده از اقدامات سرکوبگرانه به استفاده از اقدامات دیپلماتیک اهتمام ورزید. او در کنار دفع تهاجمات خارجی و تغییر در ساختار دیوانسالاری، برای جذب و وابستگی عناصر گوناگون قدرت در مناطق مختلف کشور به وصلت‌های خانوادگی با آنان اقدام کرد تا علاوه بر ایجاد آرامش و ثبات در ابعاد مختلف، زمینه اعتلای حکومت صفویه را فراهم نماید. پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با رویکردی توصیفی - تحلیلی به دنبال بررسی و تبیین چرایی و چگونگی تأثیر وصلت‌های سیاسی در ایجاد سیاست‌ها و ساختار تمرکزگرایانه دوره شاه‌عباس اول می‌باشد، زیرا شاه عباس در کنار اقدامات متنوع سیاسی، نظامی و اجتماعی، برای ایجاد تمرکز سیاسی و یکپارچگی ارضی، استفاده از وصلت خانوادگی را به مجموعه اقدامات خود افزود.

کلیدواژه‌ها: صفویه، ازدواج سیاسی، شاه عباس اول، سادات ایرانی، حکام محلی.

* دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)، bsorni@yahoo.com

** استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران،

poormohammadi@ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶



۱. مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده به عنوان نهادی اجتماعی در دوره پیشامدرن نه بر اساس علایق زوجین بلکه بیشتر تحت تأثیر جبر اجتماعی شکل می گرفت. زیربنای اصلی ازدواج یک نیاز زیستی و کارکرد اساسی آن بقای نسل و ارتباط سببی دو طایفه و خانواده می باشد. در هرم جامعه ی ایرانی پیشامدرن به نوعی وصلت های اجباری و فرمایشی عینیت و رواج بیش تری داشت. در این ازدواج بدون توجه به نقش و اهمیت نظرات و خلیقات زوجین، هدف اصلی اهداف و مصالح اجتماعی یک گروه یا جامعه می باشد و مسئله «کفو» یا سنخیت بینش و فکری زوجین جایگاهی ندارد (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۱۰۹). ازدواج سیاسی که میان گروه ها و عناصر رأس هرم قدرت صورت می گیرد، یکی از شیوه ها و ابزارهای مؤثر مورد استفاده عناصر مختلف قدرت برای کسب منافع متعدد می باشد. در این بین زوجین به مثابه ی کالایی انگاشته می شوند که بازیگران سیاسی برای رفع اختلافات و پایان تضادها به مبادله آنان اقدام می کنند. در این رابطه در عصر صفویه ازدواج های سیاسی میان جناح مختلف سیاسی به ویژه وصلت شاهان صفویه با خاندان های ذینفوذ به صورت گسترده ای انجام گرفت.

شاه عباس اول برای حل معضلات مختلف داخلی و خارجی به تدریج در راستای تغییر بازیگران و عناصر قدرت گام برداشت، او به تدریج عناصر تاجیک را جایگزین قزلباشان کرد، به گونه ای که به باور برخی صفویه پژوهان شاه عباس اول هسته ی مرکزی ساختار دولت صفویه را از عناصر قزلباش و علمای مذهبی عرب تبار به عناصر تاجیک منتقل کرد (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱/۱۹۴). به عبارت دیگر او برای تقویت جایگاه سیاسی عناصر تاجیک و وابستگی بیش تر آنان به حاکمیت به وصلت های خانوادگی با آنان اقدام کرد تا به این ترتیب اندیشه های حاکمیتی خود را برای اعتلای صفویان عملی کند.

هدف اصلی پژوهش حاضر آن است که به روش کتابخانه ای و شیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای داده های تاریخی ماهیت دلایل و اهداف شاه عباس اول در پیوند خانوادگی با عناصر و بازیگران سیاسی عصر خود را تبیین نماید. بر این مبنای مسئله اصلی در جستار حاضر واکاوی علل و پیامدهای اهتمام شاه عباس اول در وصلت خانوادگی با عناصر متنوع قدرت طلب می باشد. به نظر می رسد، تغییرات بنیادین در سیاست های شاه عباس اول در کاهش نفوذ عناصر قدیم قزلباش و استفاده از بازیگران نوخاسته، موقعیت اجتماعی و مذهبی سادات در میان توده مردم و جایگاه تاریخی و ژئواستراتژیک برخی ایالات از جمله عوامل گرایش شاه عباس به پیوند خانوادگی با عناصر متنوع هرم قدرت بود.

۱.۱ پیشینه پژوهش

درباره وصلت‌های سیاسی دوره شاه عباس اول به صورت مستقل نوشتاری وجود ندارد، با این حال برخی پژوهش‌ها به صورت جزئی به برخی زوایای وصلت‌های خانوادگی در این برهه توجه نشان داده‌اند. بنفشه حجازی در کتاب «ضعیفه»، حسن آزاد در «پشت پرده‌های حرمسرا» به صورت گذرا با تکیه بر نقش زن در مناسبات سیاسی به صورت مجمل به این مبحث پرداخته‌اند و «ماریا ژویه» فرانسوی در مقاله مبسوط «مشارکت زنان خاندان سلطنتی در اعمال قدرت در ایران صفوی»^۱ بیشتر به نقش زنان در مناسبات سیاسی عصر صفویه توجه کرده است، در حالی که کانون توجه پژوهش حاضر بر پدیده «ازدواج سیاسی» استوار است و در پی تبیین و پیامد رابطه شاه عباس اول با عناصر مختلف قدرت طلب می‌باشد. مقالات «تأثیر ازدواج سیاسی در فراز و فرود سیاسی والیان در عصر صفویه (با تأکید بر دو والی نشین اردلان و لرستان)» از پورمحمدی املشی و سورنی، «ازدواج‌های سیاسی: از آمدن تیموریان تا ظهور صفویان (علت‌ها و پیامدها)» از سورنی و دیگران، «نقش ازدواج‌های سیاسی در تثبیت حکومت صفویه در دوره شاه طهماسب اول» از پورمحمدی املشی و سورنی به اهمیت جایگاه وصلت‌های سیاسی در کنار سایر عوامل در منشور حاکمیتی صفویان توجه نشان داده‌اند، از آن جهت که تاکنون پژوهشی به تبیین تاریخی و اجتماعی وصلت‌های سیاسی عصر شاه‌عباس اول نپرداخته است لذا بررسی و تحلیل این وصلت‌ها موضوع این جستار قرار گرفت.

۲. ضرورت وصلت‌های درون‌خاندانی شاه عباس اول

شاه عباس اول پس از اقدام شبه‌کودتاگونه در برکناری پدر و جلوس بر تخت سلطنت، به دلیل مشکلات متعدد داخلی و تصرف بخش‌های وسیعی از مناطق شرقی و غربی ایران توسط ازبکان و عثمانی با بحران‌های جدی مواجه بود، بنابراین او در ابتدا تنظیم و سامان بخشی امور داخلی را به مقابله با تجاوزات خارجی ترجیح داد.

شاه عباس برای بازگشت آرامش اوضاع داخلی اقدامات مختلفی انجام داد از جمله برای استحکام و انسجام هسته‌ی مرکزی خاندان صفویه و جذب نیروهای وفادار پدرش محمدخدابنده به وصلت درون‌خاندانی اقدام کرد. به دلیل حضور نیروهای طرفدار محمدخدابنده در پایتخت و سایر ایالات بیم آن می‌رفت که جایگاه سیاسی و اجتماعی شاه عباس با خطر شورش و عصیان داخلی روبرو شود از اینرو او پس از تاج‌گذاری در

سال ۹۹۶ ه.ق. در اولین اقدام دو شاهدخت صفوی را به همسری خود برگزید. نخست، مهدعلیا «اُغلان پاشاخانم» دختر سلطان حسین میرزا (پسر بهرام میرزا پسر شاه اسماعیل اول) را که قبلاً همسر برادرش حمزه میرزا بود به عقد خود در آورد. سپس دختر بزرگ مصطفی میرزا (پسر شاه طهماسب و عموی شاه عباس) را به نکاح برگزید (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۲/ ۸۷۰).

همچنین به نظر می‌رسد شاه عباس با این وصلت‌ها می‌خواست «حرم» را که به نظر برخی صفویه پژوهان نوعی «حکومت غیر رسمی» داشت (نویدی، ۱۳۸۶: ۱۱۶) با خود همراه سازد، به خصوص اینکه او به عنوان پادشاهی نوظهور به همبستگی و تداوم حمایت شبکه‌های داخلی قدرت برای ایجاد آرامشی فراگیر نیازمند بود. از سوی دیگر گویا شاه عباس از آغاز با ایجاد یک شبکه قدرتمند در حرمسرا و به اصطلاح ایجاد «نظام قفسی» برای شاهزادگان به دنبال کاهش نقش قزلباشان بود (بابایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۲).

۳. تبیین تعاملات خانوادگی شاه عباس اول با سادات

در عصر صفویه «سادات» به علت جایگاه مذهبی، توانمندی‌های فردی و علمی، و جاهت اجتماعی و تمکن مالی به عنوان «گروه منزلتی» در ایجاد روابط حسنه میان اقشار و گروه‌های مختلف کارکردی موفق داشتند، در گروه منزلتی شرط اصلی در اعتبار بخشی به افراد و کسب مقبولیت اجتماعی، ویژگی‌های فردی و سبک خاص زندگی آنان می‌باشد (ویر، ۱۳۹۵: ۲۱۵). بر مبنای خصوصیات خاص فردی و شیوه منحصر به فرد زیستی، سادات به عنوان گروهی منزلتی قابل شناسایی هستند که از نظر مردم به علت انتساب به خاندان پیامبر اسلام (ص) محترم و معتبر شمرده می‌شوند.

عناوین و مناصب سادات و علما در عصر صفویه بر اساس نوع روابط آنان با حکومت به دو نوع حکومتی و غیر حکومتی (رسمی و غیر رسمی) و اختصاصی و غیر اختصاصی تقسیم‌بندی می‌شود (جعفریان، ۱۳۸۴: ۱/ ۱۹۳؛ صفت گل، ۱۳۸۷: ۴۹۵). مناصب صدر، شیخ‌الاسلام، قاضی و ملاباشی عناوین رسمی و مختص سادات محسوب می‌شد و حتی به دلیل جایگاه اجتماعی و توانایی‌های فردی در کنار وصلت سیاسی، مناصب نظامی مانند «قورچی باشی» مختص عناصر قزلباش در چرخشی آشکار به سادات ایرانی واگذار شد.

سادات با کسب مناصب مذهبی به خصوص منصب «صدر»، با کارکرد یکسان‌سازی مذهبی، مورد توجه دربار قرار گرفتند. این کارکرد زمانی ملموس به نظر می‌رسد که بدانیم با ایجاد وحدت عقیدتی و ارزش‌های مشترک «همبستگی اجتماعی» تقویت می‌شد و شرایط

بررسی ضرورت ازدواج‌های سیاسی ... (برومند سورنی و نصراله پورمحمدی املشی) ۱۳۳

مقابله بهتر با کشمکش‌ها داخلی و خارجی فراهم می‌شد (بیتس، ۱۳۸۹: ۷۰۱). از سوی دیگر، با توجه به تمرکزگرایی ساختار حکومت صفویه، از طریق منصب صدر نظارت بر نهاد مذهب ساده تر می‌شد (لمتون، ۱۳۸۳: ۸۷). همچنین به دلیل نظارت صدر بر دخل و خرج موقوفات، شاه برای نظارت دقیق بر این ثروت هنگفت و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، کسی را به این مقام منصوب کرد که از نظر سببی یا نسبی با او روابط خویشاوندی داشتند (کمپفر، ۱۳۶۷: ۱۲۶؛ جعفریان، ۱۳۸۴: ۲۰۲/۱).

شاه عباس اول از طریق رابطه خانوادگی با چهره‌های مقدس و واگذاری مناصب عالی به آنان ضمن کسب حقانیت شرعی و اجتماعی، ضمن تنوع بخشی به بازیگران سیاسی، عناصر زیاده‌خواه را سرکوب می‌کرد؛ چنان‌که، شورش نقطویان به عنوان محملی برای بروز اندیشه‌های نجات بخش «هزاره باورانه» به بحران مشروعیت حاکمیت دامن می‌زد (خلیلی، ۱۳۸۹: ۲۷۹). زیرا یکی از دلایل بروز جنبش‌های هزاره‌ای، افزایش فقر و فلاکت در اجتماع است و مردم با هدف رهایی از محرومیت جذب این جنبش‌ها می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۸۰۸). بنابراین شاه برای رهایی از این بحران علاوه بر اقدامات خشونت‌آمیز، از طریق وصلت خانوادگی با قشر مذهبی به احیای مشروعیت صفویان همت گماشت.

در کل یکی از ویژگی‌های ساختار دینی دوره شاه عباس اول، نزدیکی پیوند آن با ساختار سیاسی از طریق وصلت‌های خانوادگی بود. از سوی دیگر ساختار سیاسی از طریق مزاجت‌های خانوادگی با ساختار دینی به دنبال آن بود تا ساختار دیوانی - دینی را به یک ساختار دیوانی - خانوادگی تبدیل کند (صفت گل، ۱۳۸۷: ۲۵۹). شاه عباس پس از تضعیف نخبگان قزلباش، از طریق جایگزینی عناصر تاجیک به جای آنان و تثبیت این روابط از راه وصلت خانوادگی، ضمن سیطره بر منابع بزرگ درآمدی نهاد دین، با استفاده از وجاهت اجتماعی سادات، گامی محکم در ایجاد سیاست‌های تمرکزگرایانه خود برداشت. در مقابل، نیاز سادات به اخذ انحصاری امور مذهبی باعث شکل‌گیری گفتمان مشترک و روابطه حسنه میان این دو نهاد بود (صفت گل، ۱۳۸۷: ۴۹). بنابراین دربار برای تحکیم موقعیت خود به وصلت با سادات اقدام می‌کرد.

تأمل در وصلت خانوادگی شاه عباس با سادات نشان می‌دهد که او به وصلت با سادات ایرانی مانند خاندان کیایی، رضوی و مرعشی که از دوره پیشاصفویه در ایران سکونت داشتند، گرایش داشت (الهیاری، ۱۳۹۱: ۴). تجارب گسترده و عمیق اداری در نظام دیوانسالاری کهن ایران، داشتن پایگاه وسیع و مقبولیت اجتماعی (به علت قرابت نژادی و زبانی) از دلایل

شاه عباس اول برای پیوند با سادات ایرانی بود. البته بهبودی جایگاه و ترفیع مقام سادات تاجایی محترم شمرده می شد که علیه حکومت «تخیلات فاسده» نداشتند (مشیزی، ۱۳۸۴: ۴۵۶).

۴. بررسی وصلت‌های شاه عباس اول با خاندان سادات

شاه عباس اول در ایجاد وصلت‌های خانوادگی با سادات علاوه بر موقعیت اجتماعی به جغرافیای زیستی و توانمندی‌های نظامی آنان نیز اهمیت می داد. شاه عباس در برقراری روابط خویشاوندی با مشعشعیان علاوه بر سابقه سیادت و وجاهت اجتماعی به موقعیت جغرافیایی آنان در نزدیکی به بین‌النهرین و دهانه خلیج فارس که از نظر تجاری، مذهبی و سیاسی مورد توجه عثمانی‌ها بود، نگاه خاصی داشت.

مشعشعیان از نسل محمدعابدین فرزند امام موسی کاظم با صبغه‌ای سیاسی - نظامی از قرن نهم هجری در نواحی خوزستان داعیه حکومتداری داشتند (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۳: ۱۴۹). شاه عباس اول به دلیل جایگاه مذهبی و سیاسی مشعشعیان و اهمیت موقعیت اقتصادی آنان در غرب خوزستان و دهانه خلیج فارس به پیوند خانوادگی با آنان توجه خاصی نشان داد؛ زیرا دخالت مستقیم شاه عباس اول در حاکمیت مشعشعیان به احتمال زیاد حساسیت‌های عثمانی‌ها و مشعشعیان را بر می‌انگیخت و زمینه ائتلاف آنان را ایجاد می‌کرد. همچنین به دلیل نفوذ طایفه افشار در نواحی شرق خوزستان (نواحی بختیاری و کوهگیلویه)، شاه عباس نمی‌خواست با تضعیف مشعشعیان زمینه گسترش قدرت افشارها در آن نواحی را فراهم کند. در این شرایط شاه عباس برای ایجاد موازنه قدرت بین سران قزلباش افشار و خاندان مشعشعیان یکی از خواهران خود را به همسری سید ناصر مشعشعی فرزند سیدمبارک درآورد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۲/۹۲۹).

با مرگ ناگهانی سیدناصر برادر او سیدمحمد مقام والیگری مشعشعیان را تصاحب کرد. سیدمحمد برای غلبه بر اوضاع ملتهب مشعشعیان و مقابله با رقبای درون‌خانندانی به وصلت با دختر امامقلی خان بیگلربیگی ایالت فارس اقدام کرد (حسینی منشی، ۱۳۸۳: ۴۳۰). درمقابل امامقلی‌خان به دلیل پیوند با سادات بر مشروعیت سیاسی خود می‌افزود و درنهایت می‌توانست از قوای نظامی مشعشعیان در جهت نیل به اهداف سیاسی و توسعه ارضی قلمرو خود بهره‌مند گردد؛ چنانکه نیروهای سیدمحمد در تصرف بصره توسط امامقلی (۱۰۳۷ه.ق) حضور داشتند (ترکمان، ۱۳۸۷: ۲/۹۲۹). به این ترتیب از طریق روابط خانوادگی جایگاه حاکمیت صفویه در نواحی جنوب و جنوب غرب ایران استحکام یافت.

بررسی ضرورت ازدواج‌های سیاسی ... (برومند سورنی و نصراله پورمحمدی املشی) ۱۳۵

شاه عباس اول به اردبیل به دلیل مقبره شیخ صفی‌الدین و حضور بازماندگان او اهمیت خاصی می‌داد. بازماندگان و فرزندان شیخ صفی‌الدین برای متمایز کردن خود از سایر سادات، نام شیخاوند بر خود نهادند (دلاواله، ۱۳۸۳: ۲۷۹) و به دلیل خویشاوندی با پادشاهان صفویه از تمام‌أمرای قزلباش ممتازتر و محترم‌تر بودند (نهایندی، ۱۳۸۴: ۲۹۱). سکونتگاه اصلی شیخاوندیه در اردبیل از نظر مذهبی دارای آداب خاص خود مانند ممنوعیت شرب خمر بود و به دلیل مقبره شیخ صفی‌الدین موقوفات بسیاری به آن اختصاص داده می‌شد؛ از سوی دیگر به علت اینکه آنجا بارانداز کالاهای نواحی گیلان، قفقاز و کردستان بود موقعیت اقتصادی سودآوری داشت (دلاواله، ۱۳۸۳: ۲۸۰).

شاه عباس برای بهره‌مندی از مواهب روابط نزدیک با شیخاوندیه دختر خود «زبیده بیگم» را به همسری عیسی بیگ فرزند سیدی بیگ شیخاوندی درآورد (مرعشی صفوی، ۱۳۷۹: ۹۲؛ ترکمان، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۴۱؛ اولتاریوس، ۱۳۸۲: ۲۳۵) و به واسطه این وصلت داماد خود را به مناصب یوزباشی و قورچی باشی منصوب کرد (شاملو، ۱۳۶۳: ۱/ ۲۰۲). به این ترتیب علاوه بر لیاقت و کاردانی، مسئله قرابت خانوادگی در این انتصاب اثرگذار بود زیرا اصولاً به دلیل ماهیت وظایف قورچی باشی در حمایت از شخص شاه و کاخ سلطنتی این منصب به رجال معتمد و توانمند واگذار می‌شد (فلور، ۱۳۸۹: ۲۰۶). از سوی دیگر از گسست بیشتر میان خاندان صفویه و شیخاوندیه جلوگیری می‌کرد زیرا شاه به انتقام خون مادر خود - که توسط قزلباشان و با همراهی صدرالدین شیخاوند عموی عیسی بیگ به وقوع پیوسته بود - بسیاری از شیخاوندیه را به هلاکت رسانده بود.

شاه عباس اول برای استحکام جایگاه سیاسی و مقبولیت اجتماعی در اصفهان به پیوند خانوادگی با سادات «خلیفه سلطان» اقدام کرد. علاءالدین سید حسین بن میرزارفیع (خلیفه سلطان) از طریق پدر به سادات مرعشی (ترکمان، ۱۳۸۷: ۳/ ۱۰۴۰؛ کریمی، ۱۳۸۴: ۲۲۴) و از سمت مادر به سادات شهرستان منتسب می‌شد (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۱۵). شاه عباس در سال ۱۰۱۷ ه.ق. دختر خود «خان‌آغاییگم» را به ازدواج خلیفه سلطان درآورد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۲/ ۱۰۱۳؛ خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۰۱). به دلیل نسب مشترک خلیفه سلطان با خیرالنسایگم مرعشی مادر شاه (فلسفی، ۱۳۹۲: ۱/ ۲۰۰) و همچنین به دلیل پیشینه مستحکم دیوانسالاری و مقبولیت اجتماعی سادات خلیفه سلطانی در اصفهان، این پیوند فرصت مناسبی برای گسترش مشروعیت شاه فراهم کرد و از سوی دیگر با ارتضای خاطر سادات مرعشی علاوه بر پایتخت،

موقعیت خود را در نواحی شمالی تقویت کرد؛ در کنار این مسائل، با تقویت جایگاه تاجیکان اقدامات یکجانبه گرایانه قزلباشان را مهار می کرد.

خاندان خلیفه سلطان از نظر اقتصادی صاحب املاک فراوان بودند و از منظر اجتماعی در میان مردم به وفور فضل و کمال شهره داشتند، بنابراین هدف شاه، تقویت این خاندان در راستای یکپارچه سازی سیاست های حاکمیتی خود بود (ترکمان، ۱۳۸۷: ۲ / ۱۰۴۰؛ کریمی، ۱۳۷۶: ۲۲۸). روابط خاندان خلیفه سلطان با دربار پس از انتصاب خلیفه سلطان به وزارت (۱۰۳۳ ه.ق) مستحکم تر شد، زیرا علاوه بر اهلیت و استعداد حسبی و نسبی خلیفه سلطان (ملاکمال، ۱۳۳۴: ۸۹) قطعاً روابط خانوادگی هم مؤثر بود. همزمانی دامادی شاه و انتصاب به وزارت چنان افتخار بزرگی بود که نصرآبادی نوشته است: «در ازمنه سابق هیچ سلسله (سادات) به این سعادت و دو منصب عالی سربلندی نیافته اند» (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۱۵). با این وصلت و انتصاب، شاه با آسودگی خاطر به تمشیت امور می پرداخت؛ افزون بر این، خلیفه سلطان به همراه پدر خود میرزا رفیع، صاحب منصب صدر، به طور همزمان از مناصب عالیه در نظام دیوانسالاری برخوردار بودند. این تجمیع قدرت در یک خاندان به سیاست تمرکزگرایانه شاه عباس مرتبط بود زیرا او با این رویکرد، علاوه بر سیطره بر نظام دیوانسالاری، به مداخل و مخارج گسترده آن دو نفر نظارت می کرد. در مقابل خلیفه سلطان از نظر اقتصادی منافع مالی بسیاری کسب می کرد و علاوه بر انتفاع از این مزایا، بر همه مداخل و مخارج از جمله موارد تحت نظر صدر، که در این برهه بر عهده پدرش بود، رسیدگی می کرد (فلور، ۱۳۸۸: ۴۶).

شاه عباس اول در کنار اقدامات متنوع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای ایجاد امنیت پایدار در خراسان به پیوند خانوادگی با سادات رضوی هم روی آورد. او در این جهت با ایجاد تشکیلات مناسبی برای آستان قدس و واگذاری تولید آن به سادات رضوی برای نظارت همه جانبه بر ساختار جدید التاسیس مصمم بود. شاه عباس برای تثبیت دستاوردهای خود در شهر مشهد دختر خود، فخرالنسا (شاهزاده) بیگم، را به ازدواج میرزا محسن رضوی درآورد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۷: ۱۴۱) و بلافاصله داماد خود را به تولید آستان قدس منصوب کرد و سیورغالاتی به او تفویض کرد (خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۳۹). به نظر می رسد انتفاع دو سویه این مزواجت به قدری گسترده بود که دو طرف با نهایت رغبت به این روابط خانوادگی تن دادند زیرا میرزا ابوالقاسم جد و میرزا ابوطالب رضوی پدر میرزا محسن به کثرت ملک، مال و منال و رقبات سرآمد و ممتاز بودند (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱ / ۴۳۵؛ منشی قمی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۱۸). این

بررسی ضرورت ازدواج‌های سیاسی ... (برومند سورنی و نصراله پورمحمدی املشی) ۱۳۷

مکنت مالی از چشم شاه پنهان نبود بنابراین در این شرایط شاه صفویه ضمن معرفی خود به عنوان پادشاهی مومن و بانی امور خیریه بر مشروعیت سیاسی و مقبولیت اجتماعی خود می‌افزود.

شاه عباس در پرتو پیوند خانوادگی با سادات رضوی، حوزه نفوذ خود را به نواحی ماورالنهر گسترش داد و به اشترخانان، حاکمان ماورالنهر، برای مقابله با اهداف توسعه طلبانه ازبکان نزدیک شد؛ زیرا به طور مثال به خاطر «مراعات جانب سیده عقیفه - شهربانو بیگم -» درخواست او را برای بخشش پسرانش، امام قلی خان و ندرمحمد خان اشترخانی، به دلیل حمله به نواحی مشهد (۱۰۳۰ ه.ق) پذیرفت (ترکمان، ۱۳۸۷: ۲ / ۹۶۰). شاه عباس برای توسعه اقتدار خود در قلمرو اشترخانان پس از پذیرش درخواست شهربانو بیگم، برادر او، میرزا ابوطالب رضوی را به جای میرزا محسن به تولیت آستان قدس منصوب کرد (ترکمان ۱۳۸۷: ۲ / ۹۸۸؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۰۳). به نظر می‌رسد هدف او از این تغییر رویکرد نسبت به اشترخانان، علاوه بر جلوگیری از حملات اشترخانان به خراسان، استفاده از توانمندی نظامی آنها به عنوان «دولتی حایل» علیه تجاوزات ترکمانان و ازبکان بود؛ در مقابل اشترخانان از مواهب مادی و سیاسی این وصلت منتفع شدند و از طریق تولیت میرزا ابوطالب از عواید اقتصادی و حمایت‌های نظامی صفویان بهره‌مند شدند.

سادات شهرستانی منتسب به زید بن علی بن الحسین (مدرس تبریزی، ۱۳۵۳: ۳ / ۲۷۴) در دوره شاه عباس اول به منتهای اوج مناصب و قرابت با خاندان صفویه دست پیدا کردند. پس از مرگ امیرجلال الدین حسن شهرستانی (۱۰۱۶ ق) صاحب منصب صدر خاصه، برادرزاده اش میرزا رضی الدین محمد فرزند میرزا محمدتقی، جانشین او شد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۲ / ۹۲۹؛ منجم یزدی، ۱۳۹۸: ۴۴۰). شاه برای تثبیت موقعیت میرزا رضی الدین دختر خود حواییگم را به همسری او برگزید و همچنین تولیت اوقاف خود و منصب مهرداری چهارده معصوم را به او واگذار کرد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۲ / ۱۰۸۹؛ منجم یزدی، ۱۳۹۸: ۳۲۷). به نظر می‌رسد شاه عباس در جهت تثبیت سیاست‌های تمرکزگرایانه خود و نظارت بیشتر بر منابع درآمدی عظیم موقوفات خاصه که در آن زمان هشت هزار تومان درآمد داشت، این پیوند خانوادگی را ترتیب داد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۲ / ۷۶۰). شاه عباس بعد از مرگ رضی الدین جایگاه و مناصب او را به پسرش میرصدرالدین، نوه دختری خود، واگذار کرد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۲ / ۹۲۹؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۳۹).

شاه عباس اول دختر دیگرش، ملک نسا، را به همسری میرزا جلال شهرستانی درآورد که علاوه بر جایگاه اجتماعی و مذهبی، بیشتر به عنوان شخصیتی شاعر پیشه و متخلص به «اسیر» شناخته می شود (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۳۹؛ اسیر شهرستانی، ۱۳۸۴: ۲۲ مقدمه مصحح). به اشاره برخی منابع صفویه به دو دلیل شاه عباس دختر خود را به نکاح میرزا جلال در آورد، اول «پاکی نسب و ظهور حسب» و دیگر دلیل «جلالت طبع و علوم مرتبه آراسته و بانواع صفات حسنه و همت ذات پیراسته» بود (نصرآبادی ۱۳۶۱: ۹۵). اگر چه جایگاه اجتماعی و خانوادگی خاندان شهرستانی در این وصلت اثرگذار بود ولی به نظر می رسد یکی دیگر از دلایل این وصلت به نوع نگرش شاه عباس به رشد و توسعه ی چهره ی فرهنگی دارالسلطنه اصفهان باز می گردد زیرا شاه عباس تلاش می کرد با حمایت از چهره های برجسته هنرهای گوناگون، اصفهان را در کانون توجهات قرار دهد، به خصوص اینکه به دلیل سیاست های مذهبی و اقتصادی زمان شاه طهماسب اول که بسیاری از شعرا به هندوستان مهاجرت کرده بودند، گویا شاه عباس برای ابراز توجه و تکریم جایگاه اجتماعی شاعران و همچنین جلوگیری از ادامه این مهاجرت، این وصلت را تدارک دید تا در کنار توجه به سایر هنرها مانند معماری، نگارگری، خوشنویسی به جایگاه شعر و شاعران نیز ارج و بهایی دهد.

۵. ضرورت تعامل خانوادگی شاه عباس با حکام و طوایف محلی

در قلمرو وسیع حکومت صفویه قدرت های متنوع و اصیل محلی با توانمندی های مختلف اقتصادی، ارضی و نظامی پراکنده بودند که عملکرد آنان در تقویت یا تضعیف جایگاه داخلی و منطقه ای صفویه مؤثر بود، از این رو همواره حاکمیت صفویه برای جذب آنان در محور منافع خود از هیچ عملی فروگذاری نکرد. دربار صفویه برای انقیاد این قدرت های محلی - که بعضاً با وجود تفاوت های مذهبی به علت موقعیت جغرافیایی و توانایی نظامی حائز اهمیت ژئوپولیتیک بودند - به پیوند خانوادگی با آنان اقدام کردند؛ زیرا در همه جا استراتژی های قدرت و مبارزه برای اعمال نفوذ از خلال شبکه های خانوادگی می گذرد (ریویر، ۱۳۹۵: ۱۱۹).

شاه عباس اول در آغاز سلطنت، برای حل معضلات متعدد داخلی و خارجی در ابتدا اوضاع داخلی را سامان داد و سپس با دفع تهدید ازبکان و عثمانی با اقتدار حاکمیت صفویه را احیا کرد. او در راه دستیابی به این کامیابی سیاسی به موازات اقدامات سخت از طریق پیوندهای سیاسی با حکام محلی و عناصر مختلف قدرت طلب، دوران طلایی حکومت صفویه را رقم زد.

بررسی ضرورت ازدواج‌های سیاسی ... (برومند سورنی و نصراله پورمحمدی املشی) ۱۳۹

به نظر برخی صفویه پژوهان شرایط صعب العبور جغرافیایی و تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی حکام محلی به خصوص در نواحی همجوار با عثمانی، شاه عباس را وادار کرد برای جلب نظر آنان اقدامات متعددی انجام دهد (فلور، ۱۳۸۸: ۱۱۴)؛ به نظر می‌رسد موارد دیگری مانند تسلط حکام محلی بر راه‌های تجاری و ظرفیت‌های اقتصادی، موقعیت آنان نسبت به پایتخت و همچنین توانمندی نظامی، شاه را برای برقراری وصلت‌های خانوادگی با آنان مصمم ساخت. بر این مبنای دیدگاه برخی محققان که تنها سیاست‌های تمرکزگرایانه شاه عباس را عامل حذف بسیاری از حکومت‌های محلی نوشته‌اند (پارسا دوست، ۱۳۹۰: ۳۲۹) بر خطا می‌باشد زیرا تمایل شاه عباس برای برقراری وصلت خانوادگی با حکام محلی نشان می‌دهد او در ابتدا به فکر تعامل سازنده و حل مسائل فی‌مابین از راه‌های سیاسی بود.

۶. ازدواج‌های سیاسی شاه عباس با حکام و طوایف محلی

شاه عباس اول در ابتدای حکومت به مانند اسلاف خود با هدف سامان‌دهی اوضاع داخلی و جلب نظر و تسلط بر حکام محلی که به دلایل مختلف جغرافیایی و نظامی حاکمیت دولت مرکزی را تهدید می‌کرد به برقراری روابط خانوادگی با آنان اقدام کرد (Szuppe: 1995:107). ناحیه گیلان به دلیل موقعیت صعب العبور، نزدیکی آن به قزوین پایتخت صفویان و قدرت نظامی خان احمدخان گیلانی تهدیدی خطرناک برای دربار صفویه محسوب می‌شد، از این رو شاه عباس با هدف کاهش تنش نظامی و سیاسی با آل‌کیا به برقراری روابط خانوادگی با خان احمد خان چراغ‌سبز نشان داد.

شاه عباس در آغاز سلطنت با وجود آگاهی از روابط نزدیک خان احمد خان با عثمانی به دلیل موقعیت سخت جغرافیایی گیلان و حق خدمت آل‌کیا به خاندان صفویه، با خان احمدخان رویکردی مسالمت‌آمیز در پیش گرفت (جناب‌زادی، ۱۳۷۸: ۷۲۲؛ فومنی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). به نظر می‌رسد، شاه عباس به دلیل صلح با عثمانی از خان احمد خان واهمه‌ای نداشت و از سوی دیگر برقراری آرامش در ایالات دور دست مانند کرمان و فارس بر ایالاتی مانند گیلان - که به دلیل تنش‌های داخلی قدرت‌طلبان محلی خطری برای حاکمیت نداشتند - ارجحیت داشت (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). با این حال شاه عباس به سبب نزدیکی گیلان به قزوین، اوضاع اقلیمی و ظرفیت بالای اقتصادی آنجا با هدف ایجاد یک حصار امن در اطراف پایتخت به برقراری روابط خانوادگی با خان احمدخان کیایی علاقمند بود، بنابراین پیشنهاد وصلت میان یاکهان بیگم دختر خان احمدخان با صفی میرزا پسر خود را مطرح کرد که خان احمد به بهانه

سن کم دخترش با آن درخواست مخالفت کرد (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۲۷؛ منشی قمی، ۱۳۸۳: ۲/ ۱۰۸۶؛ گیلانی، ۱۴۰۰: ۳۷).

شاه عباس با وجود اشغال خراسان توسط ازبکان، به دلایل پیش گفته فتح گیلان را در اولویت قرار داد به خصوص پس از فرار مرشدقلی خان شاملو و محمدشریف استاجلو به دربار خان احمد خان (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۹۲۳) بیم آن می رفت که در صورت حمله به خراسان، قوای آل کیا با تحریک سران پناهنده قزلباش از نبود نیروهای نظامی در پایتخت استفاده کنند و آنجا را به تصرف در آورند. بر خلاف میل شاه عباس، صفی میرزا به بهانه این که «در صغر سن، از این دخترکتک بسیار خورده بود.» به وصلت تمایل نشان نداد (منجم یزدی، ۱۳۹۸: ۳۱۰). بنابراین شاه برای حفظ قلمرو کیائیان در مدار منافع صفویان به وصلت با یاکهان بیگم اقدام کرد (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۲۸؛ منجم یزدی، ۱۳۹۸: ۳۲۶). برخلاف پیش بینی شاه عباس این وصلت روابط صفویه و آل کیا را ترمیم نکرد، بنابراین شاه با لشکرکشی گسترده آخرین حکمران کیائی گیلان، را برکنار کند (دلاواله، ۱۳۸۳: ۱۵۸).

شاه عباس اول در آغاز حکومت به دلیل حمایت مرشدقلی خان استاجلو از او در موضوع جانشینی، به رجال آن طایفه اعتبار بخشید، این اعتبار بخشی به استاجلوها در وصلت حسن خان استاجلو والی همدان و قزوین (از نسل پریخان خانم خواهر شاه طهماسب) با دختر حیدر میرزا فرزند شاه طهماسب اول و سلطان زاده خانم گرجی تپلور یافت (ترکمان، ۱۳۸۷: ۸۵۳ و ۲/ ۱۰۴۲). از این رو برخی پژوهشگران این پیوند خانوادگی را گویای جایگاه برجسته استاجلوها در این سال ها می دانند (نیومن، ۱۳۹۳: ۱۶۴). شاه عباس پیش از این با حذف آل کیا، خیال خود را از تهدید پایتخت از سوی نواحی شمالی آسوده کرده بود، حالا از طریق وصلت میان خاندان استاجلو با صفویان و در واقع تحکیم موقعیت سیاسی و نظامی استاجلوها در همدان، ضمن مصونیت نواحی غربی از گزند حملات عثمانی، بر امنیت پایتخت از گزند شورش های نواحی غربی افزود.

لرستان به علت جایگاه ژئواستراتژیک در همجواری با عثمانی و نزدیکی به عتبات عالیات و بین النهرین و همچنین حکمرانی خاندان قدرتمند آل خورشید بر آن، برای دربار صفویه اهمیت خاصی داشت؛ در ابتدای حکومت شاه عباس، شاهوردی خان حاکم لرستان از عثمانی روی گردان شد و به حکومت صفویه اعلام انقیاد کرد، برای تحکیم روابط طرفین، یکی از دختران بدیع الزمان صفویه به نکاح شاهوردی خان درآمد و در مقابل خواهر شاهوردی بیگ، همسر قبلی حمزه میرزا، به نکاح شاه عباس برگزیده شد (افوشته ای نظری، ۱۳۷۳: ۴۸۷). با این

بررسی ضرورت ازدواج‌های سیاسی ... (برومند سورنی و نصراله پورمحمدی املشی) ۱۴۱

وصلت شاهوردی خان از حمایت دولت مرکزی در برابر دست اندازی والیان اردلان در امان ماند. شاهوردی خان همچنین برای مقابله با اقدامات توسعه طلبانه والیان اردلان، خواهر خود را به همسری بهرام سلطان حاکم اورامان برگزید (سلطانی هورامی، ۱۳۸۶: ۳۹۱). از سوی دیگر با این وصلت‌ها شاهوردی خان از اندیشه‌ی همگرایی احتمالی در آینده با عثمانی بازداشته شد و دولت مرکزی از قلمرو او به عنوان حایلی علیه حملات عثمانی استفاده کرد. این وصلت‌های خانودگی به نتایج مطلوب درازمدت نینجامید و سرانجام به دلیل دخالت شاهوردی خان در قتل اغورلو سلطان بیات، حکم قتل او از سوی شاه عباس صادر شد. با مرگ او در ۱۰۰۶ ه.ق.، حکمرانی آل خورشید به پایان رسید (ترکمان، ۱۳۸۷: ۴۵۳/۲).

شاه عباس برای تسلط بر ایالات کردستان اردلان پس از مشورت با آلی بالای خان (علی بیگ) زنگنه به دلیل آشنایی با اوضاع کوهستانی و سخت‌گذر اردلان و همچنین جلوگیری از تحریک عثمانی، تصمیم گرفت با شیوه‌ای دیپلماتیک و از طریق وصلت خانوادگی هلوخان والی اردلان را در سلک چاکران خود درآورد. اندکی بعد، شاه خواهر خود «زرین کلاه» را به همسری خان احمدخان فرزند هلوخان برگزید؛ به این ترتیب شاه عباس، زیرکانه زمینه کودتای داخلی علیه هلوخان را برنامه‌ریزی کرد. خان احمد خان اندکی بعد با عزیمت به اردلان (۱۰۲۶ ه.ق.)، موفق به برکناری او شد و خود به تخت امارت تکیه زد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۲/۹۲۶؛ اردلان، ۲۰۰۵: ۵۵). به این صورت شاه عباس از طریق وصلت خانوادگی و سیطره بر کردستان موفق به تسلط بر نواحی بین‌النهرین، کانون تنش با عثمانی، شد. زیرا به قول برخی مورخان دولت‌ها و تمدن‌هایی در بین‌النهرین توفیق کامل یافته‌اند که میان قسمت کوهستانی زهاب و نخلستان‌های بطایح رشته‌ارتباط و پیوستگی را مستحکم ساخته بودند و این کاری بود که شاه عباس از طریق وصلت سیاسی به آن دست یافت (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

به باور برخی پژوهشگران از آنجا که در منابع محلی اردلان و حتی منابع رسمی صفویه از «زرین کلاه» به عنوان خواهر شاه عباس ذکر می‌شود، به میان نیامده است بنابراین وصلت خواهر شاه عباس با خان احمد خان مورد تشکیک است و شاید یکی از زنان حرمسرا به عنوان همسری خان احمدخان در نظر گرفته شده است، از این رو منابع محلی اردلان برای حفظ منزلت خاندان خود و خان احمد خان بحث وصلت خواهر شاه عباس را با والی اردلان مطرح کرده‌اند (علیخانی، ۱۳۹۵: ۹۴). هامر پورگشتال بر خلاف این دیدگاه می‌نویسد: «احمد خان ... نییره (نوه) شاه را به سلک ازدواج درآورد» (هامر پورگشتال، ۱۳۸۷: ۳/۲۰۱۱)

نکته قابل توجه این است؛ حتی اگر این ازدواج با خواهر شاه صورت نگرفته و شاه عباس فرد دیگری را به جای خواهر خود به ازدواج خان احمد خان در آورده باشد، چنین گزارشی کارکرد اجتماعی و سیاسی خود را ایفا نموده است و این نشان از تأثیر ازدواج های خاندان های حکومتی در تعاملات سیاسی و برقراری روابط مسالمت آمیز بین حکمرانان و خاندان های حکومتی می باشد.

شاه عباس به علت نزدیکی جغرافیایی منطقه مکریان به عثمانی و همچنین جلوگیری از اتحاد عشیره مکرری با استانبول، پس از دستیابی قبادخان به ریاست آن عشیره (ترکمان، ۱۳۸۷: ۲/۸۱۲) با هدف تقویت جایگاه سیاسی و موقعیت اجتماعی قبادخان، خواهر او را «که به حق در میان اکراد مشهور و معروف بود» برای خود خواستگاری کرد. قبادخان «حسب الصلاح وقت» با این درخواست موافقت کرد (منجم یزدی، ۱۳۹۸: ۵۱۱). استفاده از اصطلاح «حسب الصلاح وقت» به روشنی نشان از اتخاذ سیاست مصلحت اندیشانه شاه عباس و قبادخان در قبال یکدیگر دارد و روند حوادث آینده آشکارا ماهیت مصلحت گرایانه و بی نتیجه این پیوند خانوادگی را عریان ساخت.

این وصلت به جای تحکیم روابط فی مابین به علت تعدی قبادخان به مردم مراغه و تداوم حمایت او از عثمانی و افشای نقشه لشکرکشی شاه عباس به ارزروم نتیجه مطلوب نیافت، از این رو شاه عباس دستور قتل عام بزرگان ایل مکرری را صادر کرد (منجم یزدی، ۱۳۹۸: ۵۱۲؛ ترکمان، ۱۳۸۷: ۲/۸۱۳). برخی پژوهشگران به اشتباه سرکوب مکرری ها را به مبانی قومی و مذهبی محدود کرده اند زیرا شاه عباس دستور داد گروهی از جلالی ها در قلمرو مکرری سکونت داده شوند (روژبیانی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). در این صورت شاه عباس نباید با خاندان مکرری وصلت می کرد. از سوی دیگر شاه عباس با فراست دریافت که تجمیع جلالی ها در یک مکان خاص، به احتمال درآینده چالشی برای حاکمیت خواهد بود، بنابراین دستور سکونت بخشی دیگر از آنان را در عراق عجم صادر کرد.

در دوره شاه محمدخدا بنده، دولتمردان صفویه برای مقابله با توسعه طلبی عثمانی در قفقاز برقراری روابط حسنه با سیمون (سمایون) حاکم کارتیل و الکساندر حاکم کاخاکت از طریق پیوند خانوادگی را در پیش گرفتند (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۲/۷۱۵). الکساندر علیرغم مخالفت اولیه با این درخواست به دلیل واکنش قهرآمیز میرزا سلمان جابری صدراعظم با این وصلت موافقت کرد. ارکان دولت صفویه «به مقتضای مصلحت وقت» دختر او را به همراه دختر سیمون در یک زمان به همسری حمزه میرزا درآوردند (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۳۶). به این ترتیب از

بررسی ضرورت ازدواج‌های سیاسی ... (برومند سورنی و نصراله پورمحمدی املشی) ۱۴۳

زمان شاه محمد خدابنده سیاست دخالت مستقیم دربار صفویه در جهت دهی به سیاست‌های گرجستان آغاز شد.

شاه عباس اول، در ادامه سیاست اجداد خود، پیوند خانوادگی با دو ایالت کارتیل و کاخت گرجستان را در پیش گرفت. او دختر گرگین خان و خواهر لهراسب والی کارتیل، به نام تیناتین (گردینا، لیلی و فاطمه سلطان) را به عقد خود درآورد (۱۳۰۱۳ق) علاوه بر این برای ایجاد توازن قوا در گرجستان و جلوگیری از سرکشی الکساندر والی کاخت نوه او به نام مارتا، دختر داودخان را به عقد خود درآورد (شاملو، ۱۳۷۱: ۱۸۴/۱). شاه عباس برای مشروعیت بخشی به اقدامات خود از جمله ازدواج با غیرمسلمانان، از خود حربه ازدواج استفاده کرد و «جهان بانویگم» نوه خود و دختر زبیده بیگم و عیسی خان شیخاوند را به عقد سیمون خان گرجی و «مهرشرف بیگم» را به نکاح الکساندر میرزا فرزند شاهنواز خان درآورد (مرعشی صفوی، ۱۳۷۹: ۴۴). اقتدار شاه عباس در تنظیم امور داخلی و مقابله با تهاجمات ازبکان و بازپس گیری مناطق متصرفه از عثمانی، والیان گرجستان را به ادامه همکاری و اتحاد با دربار صفویه واداشت، افزون بر موارد یاد شده به باور برخی صفویه پژوهان تثبیت نفوذ صفویه در قفقاز و به خصوص گرجستان مانع دست اندازی عثمانی‌ها به نواحی مرزی ایران به خصوص ولایات آذربایجان می شد (ثواقب، ۱۳۸۳: ۱۸۲).

۷. نتیجه گیری

احیای حکومت صفویه توسط شاه عباس اول در سایه اقدامات متعدد در ابعاد داخلی و خارجی و با تغییر در بازیگران عرصه سیاسی به وقوع پیوست. شاه عباس علاوه بر اقدامات قهرآمیز علیه تهدیدات خارجی و داخلی، طی سلسله اقدامات سنجیده به تدریج اصلاحات در ساختار قدرت را آغاز کرد، او با برکشیدن رجال و خاندان‌های نخبه تاجیک و جایگزین کردن آنان به جای نیروهای قزلباش و سایر حکام محلی سرکش، بر مقدرات سیاسی تسلط پیدا کرد. پیوند خانوادگی با نیروهای جدیدالورود برای ایجاد علقه با آنان و در نتیجه تسلط بر سایر شئون مملکت در رأس اقدامات شاه عباس قرار گرفت در این راستا او از طریق وصلت با خاندان‌های سادات، حُکام و طوایف محلی نفوذ و اندیشه‌های تمرکزگرایانه خود را بیش از پیش متجلی ساخت.

سادات به علت علونسب و حسب، جایگاه برجسته مذهبی و علمی و پایگاه ممتاز اجتماعی از اعتبار سیاسی برخوردار بودند، به ویژه سادات ایرانی به دلیل تجربه طولانی در نظام

دیوانسالاری و برخورداری از پیشینه‌ی برجسته سیاسی و نظامی از عناصر محبوب شاه عباس برای ترمیم ساختار سیاسی و نظامی صفویه بودند، از این رو پیوند خانوادگی با آنان به عنوان راهبردی مؤثر در راستای ترمیم نظام دیوانسالاری به کار گرفته شد؛ به خصوص اینکه ساختار مذهبی حکومت زمینه ساز ارتقای سیاسی و اداری سادات بود همچنین نفوذ اجتماعی اقشار مذهبی (سادات) به افزایش مقبولیت صفویان در میان توده‌ها کمک می‌کرد. افزون بر این، او با آگاهی از توان رزمی و موقعیت ژئواستراتژیک و ظرفیت اقتصادی ایالات مرزی برای پیوند محکم با آنان به روابط خانوادگی روی آورد.

پی‌نوشت

1. La participation des Femmes de La Famille Royale a L'Exercice du Pouvoir en Iran Safavide.

کتاب‌نامه

- آزاد، حسن (۱۳۶۶). پشت پرده‌های حرمسرا. ارومیه: انزلی.
- آقاجری، سید هاشم (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران: طرح نو.
- اردلان، مستوره (۲۰۰۵)، تاریخ الاکراد، تصحیح: جمال احمدی آئین، اربیل: آراس.
- اسیر شهرستانی، جلال الدین بن مومن (۱۳۸۴)، دیوان غزلیات اسیر شهرستانی، تصحیح: غلامحسین شریفی ولدانی، تهران: میراث مکتوب.
- افوشته‌ای نطنزی، محمود (۱۳۷۳)، نقاوه الاثار فی ذکر الاخیار، تصحیح: احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- بایبی، سوسن و دیگران (۱۳۹۰)، غلامان خاصه: نخبگان نوحاسته‌ی دوران صفوی، ترجمه: حسن افشار، تهران: مرکز.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۵)، هواخوری در باغ، تهران: علم.
- بیتس، دانیل و فرد پلاگ (۱۳۸۹)، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ترکمان، اسکندریگ (۱۳۸۷)، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۲، تصحیح: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۳)، «تحولات گرجستان در عصر صفویه»، مجموعه مقالات ایران زمین در گستره تاریخ صفویه، به اهتمام: مقصودعلی صادقی، تبریز: ستوده.
- جنابذی، میرازیگ (۱۳۷۸)، روضه الصفویه، تصحیح: غلامرضا مجدطباطبایی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- حجازی، بنفشه (۱۳۹۲)، ضعیفه: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی، تهران، قصیده سرا.

بررسی ضرورت ازدواج‌های سیاسی ... (برومند سورنی و نصراله پورمحمدی املشی) ۱۴۵

- حسینی استرآبادی، حسن، (۱۳۶۶)، از شیخ صفی تا شاه صفی، به اهتمام: احسان اشراقی، تهران: علم.
- حسینی منشی، محمد میرک، (۱۳۸۵)، ریاض الفرووس خان، به کوشش: ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- خاتون آبادی، سید عبدالحسین، (۱۳۵۲)، وقایع السنین و الاعوام، تصحیح: محمد باقر بهبودی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.
- خلیلی، نسیم، (۱۳۹۲)، گفتمان نجات بخشی در ایران عصر صفوی، تهران: علمی و فرهنگی.
- دلاواله، پیتر، (۱۳۸۳)، سفرنامه دلاواله، ترجمه: شجاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- ریویر، کلود، (۱۳۹۵)، درآمدی بر انسان‌شناسی، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران: نی.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
- سلطانی هورامی، مظفر بهمن، (۱۳۸۶)، تاریخ هورامان، تصحیح: نادر کریمیان سردشتی، تهران: احسان.
- شاملو، ولی قلی، (۱۳۷۱)، قصص الخاقانی، ج ۱، تصحیح: حسن سادات ناصری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صفت گل، منصور، (۱۳۸۹)، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران: رسا.
- علیخانی، رستم، (۱۳۹۵)، تاریخ و لیان اردلان: نگاهی نو به تاریخ سیاسی و اجتماعی و لیان اردلان، سنندج: علمی کالج.
- فلسفی، نصرالله، (۱۳۹۲)، زندگانی شاه عباس اول، ج ۱، تهران: نگاه.
- فلور، ویلم، (۱۳۸۸)، دیوان و قشون در عصر صفوی، ترجمه: کاظم فیروزمند، تهران: آگه.
- قزوینی، ابوالحسن، (۱۳۶۷)، فواید الصفویه، ج ۱، تصحیح: میر میراحمدی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کریمی، علیرضا، (۱۳۷۶)، «خلیفه سلطان: سلطان العلماء فقیه و وزیر اعظم عصر صفوی»، مجله حکومت اسلامی، س ۲، ش ۴.
- کلاین برگ، اتو، (۱۳۷۶)، روانشناسی اجتماعی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: اندیشه.
- کمپفر، انگلبرت، (۱۳۶۹)، سفرنامه، ترجمه: کیکا ووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- کیاگیلانی، سید احمد، (۱۴۰۹)، سراج الانساب، تحقیق: سید مهدی رجایی، زیر نظر سید محمود مرعشی، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- گیدنزا، آنتونی، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نی.
- گیلانی، خان احمد، (۱۴۰۰)، منشآت، تصحیح: عباس پناهی، تهران: موسسه پژوهشی میراث مکتوب.
- مدرس تبریزی، محمد علی، (۱۳۵۳)، ریحانه الادب، ج ۳، تبریز: چاپخانه شفق.

۱۴۶ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مدرس رضوی، محمدباقر، (۱۳۵۲)، شجره طیبه در انساب سلسله سادات علویه رضویه، تصحیح: محمدتقی مدرس رضوی، مشهد: آهنگ قلم.

مدرسی چهاردهی، مرتضی، (۱۳۵۶)، «مشعشعیان»، مجله بررسی های تاریخی، ش ۷۴، بهمن و اسفند. مرعشی صفوی، محمد هاشم، (۱۳۷۹)، زیور آل داود (شرح ارتباط سادات مرعشی با سلاطین صفویه)، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: میراث مکتوب.

مشیزی، میرمحمدسعید، (۱۳۶۹)، تذکره صفویه کرمان، تصحیح: محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم. ملاکمال، تاریخ ملاکمال، (۱۳۳۴)، تصحیح: ابراهیم دهگان، اراک: فروردین. منجم یزدی، جلال الدین محمد، (۱۳۹۸)، تاریخ عباسی (روزنامه ملاجلال)، تصحیح: مقصودعلی صادقی، تهران: نگارستان اندیشه.

منشی قمی، احمد، (۱۳۸۳)، خلاصه التواریخ، ج ۲، تصحیح: احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران. نصرآبادی، محمد طاهر، (۱۳۶۱)، تذکره نصرآبادی، تصحیح: وحید دستگردی، تهران: کتابفروشی فروغی. نهاوندی، عبدالباقی، (۱۳۸۳)، مآثر رحیمی، تصحیح: عبدالحسین نوائی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. نیومن، اندرو جی، (۱۳۹۳)، ایران صفوی: نوزایی امپراتوری ایران، ترجمه: عیسی عبدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

واله اصفهانی، محمد یوسف، (۱۳۷۲)، خلدبرین: ایران در روزگار صفویان، تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

الهیاری، حسن و محمدرضا قلیزاده، (۱۳۹۵)، سیادت و جنسیت (بررسی مفهوم سیادت در دو نسخه خطی نویافته)، پژوهش نامه زنان، س ۷، ش ۲، تابستان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۱۸-۱.

وبر، ماکس، (۱۳۹۲)، دین، قدرت، جامعه: ترجمه: احمدتدین، تهران: هرمس.

Zuppe, M., La participation des Femmes de La Famille Royale a L' Exercice du Pouvoir en Iran Safavide au XVIIe Siecle (seconde partie), SIR, 24(1) (1995), pp 61- 121.